

گاهنامه هنر و جنگ

9 نوامبر 2011

جنگ علیه ایران - دکتر پل گرگ رابرتس وضعیت را به شکل عمیق مورد بررسی قرار می دهد

مصاحبه جیمز کوربت با دکتر پل گرگ رابرتس که به تاریخ 18 ژوئیه 2010 در
یوتوب منتشر شده است، در این جا از روی زیر نویس فرانسه ترجمه شده است.

https://www.youtube.com/watch?v=EfNgmmx5yC4&feature=player_embedded



خواهیم دید که تا چه اندازه وجود فاصله تاریخی این مصاحبه مانع اکنونی بودن آن در
رابطه با تحریکات و تهدیدات اخیر ایالات متحده علیه ایران بوده و یا نبوده است. این
موضوعی است که به دآوری خوانندگان و روند وقایع بستگی خواهد داشت که در این
روزها برای چندمین بار طی 20 سال گذشته شنیده می شود.

حمید محوی.



اینجا جیمز کوربت از «کوربت ریپورت دات کام»، ما در 23 ژوئن 2010 هستیم و امروز خوشوقتم که با دکتر پل کرگ رابرتس هستم، مردی که زندگینامه اش برای یادآوری در این جا بسیار طولانی خواهد بود. ولی مختصرا باید بگویم که او معاون وزیر خزانه داری در دولت ریگان بود و بنیانگذار «دیگانومیک» و هم چنین دبیر قدیمی وال استریت ژورنال و نویسنده چندین کتاب بوده و آخرین کتاب او «چگونگی اقتصاد گم گشته : جنگ جهانی» در «آ کا پرس» منتشر شده است.

دکتر رابرتس، از شما سپاسگذارم که امروز دقتتان را به من دادید.

دکتر رابرتس : خواهش می کنم.

جیمز کوربت : می خواستم امروز مستقیما با شما درباره موضوع بسیار مهمی گفتگو داشته باشم. در مورد احتمال حمله به ایران توسط ایالات متحده یا نیروهای اسرائیلی، موضوعی است که اخیرا در کنفرانس بیلدربرگ در سیتگز در اسپانیا مطرح شد، و حتما شما اطلاع دارید. ظاهرا بسیاری از شرکت کنندگان برای حمله به ایران چراغ سبز داده اند. و چنان که دیدیم، چندین حادثه این نمایش تأثیری را منعکس کرد، و حتی توسط سازمان ملل متحد مجازات های تازه ای علیه ایران اعلام شد. و علاوه بر این پرتاب قمر مصنوعی جدید اسرائیلی ها به هدف کنترل ایران بود. گروه شناورهای آمریکایی و دست کم یک کشتی اسرائیلی که از کانال سوئز به مقصد دریای سرخ عبور کردند. حوادث بسیار جدی در این چند هفته گذشته به وقوع پیوست و پرسش من این است که از دیدگاه شما و تحلیل شما آیا موج جدید تنها دعوای لفظی بوده‌ودو به زودی مثل دفعات گذشته به خاموشی خواهد گرایید و یا این که فکر می کنید که این بار احتمال حمله واقعی به ایران واقعا وجود دارد؟

نمی دانم آیا حمله به زودی صورت خواهد پذیرفت، ولی فکر می کنم که نشانه های بارزی وجود دارد. ایالات متحده سعی می کند شرایطی را فراهم سازد که در حمله به ایران بی گناه جلوه کند. به همین علت ما با ابلیس نمایی دائمی ایران روبرو بوده ایم که چندین سال قدمت دارد. ما انواع و اقسام گزارشاتی را درباره برنامه هسته ای ایران شنیدیم که جملگی توسط بازرسان آژانس بین المللی انرژی هسته ای در ایران بی اعتبار اعلام شد. اعلام بی اعتباری چنین گزارشاتی به دولت ایران بستگی ندارد، بلکه به تشخیص آژانس بین المللی انرژی اتمی بوده است. هیچ مدرکی مبنی بر وجود برنامه نظامی وجود ندارد. ولی ایالات متحده سعی دارد بگوید که ایران برنامه تولید سلاح هسته ای را در دست اجرا دارد. این نوع دعاوی بی پایه و اساس دقیقاً مشابه همان هایی است که در مورد سلاح های کشتار جمعی در عراق مطرح می کردند. چیزی که ما امروز در دنیای مدرن در اختیار داریم، قابلیت تبلیغات و کنترل امور است، نمونه این قابلیت را در عراق دیدیم، بازرسان اعلام کرده بودند که سلاح کشتار جمعی در عراق وجود ندارد، ولی واقعیت مهم نبود، و دولت ایالات متحده می توانست به دروغ پردازی هایش ادامه دهد. و رسانه ها نیز به سادگی دروغ ها را پذیرفتند و منتشر کردند، و آن را به عنوان واقعیت جلوه دادند، و گویی که واقعا صدام حسین سلاح کشتار جمعی در اختیار دارد.

و حتی مقامات بالایی را در دولت داشتیم که از قارچ اتمی و غیره حرف می زدند. این همان شگردی است که در مورد ایران تکرار می کنند. در نتیجه مجازات های سازمان ملل متحد در واقع پوششی برای همین تبلیغات است. والبته، مجازات هایی که توسط ستیزان ملل متحد اعلام شده، آن نوع مجازات های شدیدی نبوده است که ایالات متحده خواهان آن می باشد. بنابراین کاری که حالا ایالات متحده به آن دست زده، اعمال مجازات های یک جانبه است که به مجازات های سازمان ملل متحد افزوده شده. و این موضوع با مخالفت روسیه مواجه شد و گفت که پیش از این قابل فهم بود زیرا فکر می کردیم همواره جایی برای مذاکره باقی مانده و حالا رسیده ایم به مجازات های یک جانبه علاوه بر همه مجازات ها. در نتیجه روشن است که ایالات متحده در پی ایجاد شرایطی است که تمام دروغ های دولت برای حمله به ایران توجیه پذیر جلوه کند. در نتیجه ما در این جا با نوعی از تبلیغات سروکار داریم که از دوران نازی ها با آن آشنا هستیم. در واقع باید گفت که حتی بدتر از دوران نازی است. هیتلر شاید نسبت به دولتایالات متحده حسن نیت بیشتری داشت. در نتیجه، به روشنی، اگر نتوانیم جلوی آن را بگیریم، جنگ در حال شعله ور خواهد شد. البته چین و روسیه با چنین روی کردی موافق نخواهند بود. ولی ما در ایالات متحده تلاش خواهیم کرد که آنها را به دام خودمان بیاندازیم. یا آنها را خریداری کنیم و یا به تهدید آنها اقدام کنیم. و یا به شکل خاصی سعی کنیم امکانات بیشتری برای متشنج کردن ایران به دست بیاوریم.

حالا حرکت ناوگان احتمالا می تواند احتمالا به عنوان یکی از اشکال تحریک تلقی شود. به این امید که اتفاقی بیافتد، که ایرانی ها دست به واکنشی بزنند که با غربی ها برخوردی ایجاد شود که متعاقبا به عنوان بهانه جنگ به کار بسته شود. یا تهدیدی از جانب آنها صورت پذیرد و به شعله ور شدن جنگ بیانجامد، این هدف ایالات متحده است.

جیمز کوربت : فکر می کنم که حق با شماست ولی درک این نکته برایم مشکل به نظر می رسد که در این دوران، یعنی نه تنها در دوران فروپاشی اقتصادی این حمله به نوعی خودکشی اقتصادی تبدیل می شود، بلکه به این علت که ایران دارای توان نظامی و ضد حمله استف به شکلی که عراق هرگز قادر به انجام آن نبود. نمی دانم چرا در چنین طرحی این موضوع به حساب آورده نشده است. در نتیجه پرسش این است که استراتژی واقعی در این جا کدام است و هدف از این منازعه چیست؟

دکتر رابرتس : دلایل متعددی وجود دارد. پیش از همه باید از ایدئولوژی نو محافظه کاران یاد کنیم که در بطن دولت ایالات متحده لانه کرده اند. ایدئولوژی نو محافظه کاران حاکمیت بر جهان می خواهد، می خواهند بر جهان حکومت کنند. اکنون ایران آخرین کشور مستقلی است که در خاورمیانه باقی مانده. می توانیم احتمالا سوریه را نیز به آن اضافه کنیم. ولی این کشورها محاصره شده اند. بقیه کشورها به تصرف آمریکا در آمده اند، یا به شکل عروسک در دست آمریکا هستند، به عنوان مثال مصر. مصر در دست آمریکا یک عروسک خیمه شب بازی چیزی بیشتر نیست. در نتیجه این موضوع به گسترش حاکمیت ایالات متحده مرتبط می باشد یعنی پاک کردن خاورمیانه از تمام دولت های مستقل که نماینده مردم خودشان هستند و با منافع آمریکایی ها در تضاد می باشند.

دلیل دوم اسرائیل است. اسرائیل می خواهد کاملا بر خاورمیانه تسلط پیدا کند و در پی اخراج کامل فلسطینی ها از کرانه باختری رود اردن است، و می خواهد جنوب لبنان را نیز به دلیل منابع آب تصاحب کند. ولی آن چه مانع پیش روی اسرائیل شده، حزب الله است که راه را بر او بسته است. و اسرائیلی ها می دانند که ایران از حزب الله پشتیبانی می کند. در نتیجه دلشان می خواهد که از شر ایران خلاص شوند. بنابر این اسرائیلی ها ترسی ندارند که وقتی به جنوب لبنان حمله می برند، برای سومین بار نیز شکست بخورند. و بدون ایران حماس هیچ پشتیبان دیگری ندارد. در نتیجه می توانند فلسطینی ها را در غزه از گرسنگی هلاک کنند و اخراج فلسطینی ها را در کرانه باختری رود اردن به انجام نهایی برسانند.

موضوع سوم، امنیت مجتمع صنعتی نظامی آمریکا است. این مجتمع برای منافع و ادامه حیاتش به جنگ نیازمند است و دولت ایالات متحده آمریکا خواهان چنین جنگ ها و منافع آن است. زیرا پول ها را با مشارکت سیاسی دوباره به گردش در می آورد. در نتیجه برای دولت ایالات متحده، جنگ راه حل مناسبی برای پول مالیات دهندگان است که مجتمعات صنعتی نظامی به کار می افتد.

چهارمین موضوع، رسانه های خود فروش ایالات متحده است. این رسانه ها به عنوان وزارت خانه پنتاگون عمل می کند. در مورد این عوام فریبی ها و دروغ پردازی ها هیچ رابطه اخلاقی وجود ندارد. در هریک از رسانه ها، چاپی و تلویزیون آمریکایی. در نتیجه شما در این جا چهار قطعه از پازل را در اختیار دارید. این پازل در خدمت رسانه ها است زیرا برای آمریکایی ها موجب سرگرمی و تفریح نیز هست. می گویند : «آه این بار به کون یک نفر دیگر می زنیم»، «ما قدرت بزرگ مردسالار هستیم.» و غیره...

این شکل از تفریح به درآمدهای تبلیغاتی کمک می کند و دولت اعلام کرده است که تمام جوازهای انتشار را تمدید می کند و شما شاهد «تهیه کننده ها» هستید. این آن چیزی است که در شرف وقوع می باشد. به این شکل نیست که چون که ایران تهدید خاصی را بازنمایی می کند.

...